Journal of Fiqh and Usul
Vol. 51, No. 4, Issue 119
Winter 2020
DOI: https://doi.org/10.22067/jfu.v51i4.68818

فقه و اصول
سال پنجاه و یکم، شماره ۴، شمارهٔ پیاپی ۱۱۹
زمستان ۱۳۹۸، ص ۹۲-۷۵

نقد و تحلیل دیدگاه مشهور در تعیین سال خمسی و دوره زمانی کسر مئونه از ربح*

دکتر محمدرضا کیخا [۱]
دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
Email: kaykha@hamoon.usb.ac.ir
محمدعلی قادری
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان
Email: mohamad.gh.fani@gmail.com

چکیده

خمس ارباح مکاسب، به اجماع فقها پس از کسر مخارج عرفی فرد و عائله واجب النفقه، محاسبه می‌شود؛ از این رو تعیین مبدأ و پایان زمانی جهت محاسبه مئونه ضروری است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً: در هیچ موضعی از روایات، تصریح به تعیین سال خمسی نشده است و روایت علی بن مهزیارِ مورد استناد هم منطبق بر شرایط استثنایی آن دوره، از معصوم صادر شده و در این مسئله قابل استناد نیست. حجیت اجماع منقول نیز با توجه به مخالفت برخی از فقها و مدرکی بودن و تنافی با روایت امام صادق (ع) مردود است. از سویی مبدأ این واجب موسّع، نه شروع به کسب است و و نه سپری شدن یک سال از شروع به کسب یا ظهور ربح، بلکه تنها معیار وجوب خمس، ظهور ربح و مازاد بر مئونه بودن است. تفصیل بین مشاغل با درآمدهای تدریجی و دفعی، نیز بی‌مبنا است.

کلیدواژه‌ها: خمس، سال خمسی، متعلّق خمس، مئونه.

---

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۸/۲۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۱۶. (این مقاله بنابر نظر داوران و مصوبه هیئت تحریریه، علمی پژوهشی محسوب است.)
۱ . نویسنده مسئول

Critique and analysis of the famous opinion on determination of Khumsi year and the period of deducting expense from profit

Mohammad Reza Kheikhah, Ph.D. Associate Professor, University of Sistan and Baluchestan (Corresponding Author)
Mohammad Ali Ghaderi, Ph.D. Student of Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan

Abstract

According to the Islamic jurists' Idjma, Khums of profits of income must be calculated after deduction of customary expenses of the duty-bound and those family members entitled to receive maintenance; hence the need to determine the beginning and end of a period to calculate expenses. The results of this research are as follows: first. Determination of Khumsi year has not been expressed in any parts of the narrations and the Ali ibn Mahzyar's narration which is resorted to has been issued by the Infallible under the exceptional circumstances of the particular time and recourse may not be had thereto in this regard. The authority of narrated Idjma is also refused given the opposition of some Islamic jurists and the fact that its source is known and due to its contradiction with Imam Sadegh's narration. In addition, the beginning of this expanded duty is not either the start of the business or lapse of one year from the start of the business or the rise of profit, but the only criteria for duty to pay Khums is the rise of profit and it being surplus to expenses. Distinction between businesses with immediate or gradual incomes is meaningless too.

Keywords: khums, khumsi year, khums subject, expense

مقدمه

یکی از متعلَّقات خمس «ارباح مکاسب» است. هرکسی از کسب مشروعی سودی به دست آورد، بعد از اخراج مئونه[۱] سالیانه خود و عیال واجب النفقه‌اش، باید از باقیمانده سود، خمس آن را بپردازد. این مـورد خمس از مسلّمات نزد علماء شیعه است، علاوه بر اجماعی بودن این حکم در میان شیعه، در روایات عامّه نیز اشارتی بدان آمده است (ابن حسام، ۷/ ٦٥). بنابر دیدگاه علماء معاصر و مشهور علماء قدیم، مئونـه‌ای که از سود کسر می‌شود، برای یک بازه زمانی یکساله محاسبه می‌گـردد؛ کـه شـروع آن از زمـان شـروع بـه تکسّب یا ظهور اولین ربح بوده و شامل تمـامی شـغل‌ها - چـه شـغل‌های بـا درآمـد دفعـی و چـه درآمـد تدریجی- می‌شود. اما این شیوه محاسبه با اشکالاتی مواجه است که عبارت‌اند از:

اولاً: از حیث ادلّه نقلیّه، هیچ دلیل صریحی بر تعیین سال خمسی و کسر مئونه به شیوه مـذکور وجـود ندارد.

ثانیاً: با بررسی روایات باب خمس درمی‌یابیم، که شارع با حکم جواز کسـر مئونـه از سـود، بـه دنبـال پیش‌گیری از ایجاد عسر و حرج و فقر برای مکلّفان است. اما بر اساس شیوه رایج، اگر فرد فقیر و محتاجی، لحظاتی قبل از اتمام سال خمسی‌اش مالی را کسب کنـد، بایـد خمـس آن را بپـردازد، اگرچـه خـود بـه آن محتاج باشد. خصوصاً اگر قائل باشیم به اینکه هدیه و ارث و امثال این‌ها نیز متعلَّق خمس هستند؛ در ایـن صورت حتی صدقه‌ای که به فقیر داده می‌شود نیز خمس دارد. حال آنکه سیره معصومان کمـک بـه فقـراء و مساکین بوده است، نه آنکه برسختی زندگی‌شان بیافزایند.

ثالثاً: در این شیوه معنای حقیقی کسر مئونه تحقق پیدا نمی‌کند. چرا که مکلّف مجالی برای کسر مئونه به معنای تهیه موارد نیاز حقیقـی خـود و عیـالش، نخواهـد داشـت. خصوصاً در مـورد کسـانی کـه دارای درآمدهای تدریجی بوده و یا کسب اتفاقی دارند؛ و درآمدی را در روزهـای پایـانی سـال خمسـی به‌دسـت می‌آورند.

رابعاً: اگر مکلّفی دارای کسبِ دیر بازده باشد (همانند بسیاری از تجارت‌ها) و در طـول سـال بـه سـود کارش دست نیافت و تنها یک روز بعد از سال خمسی به سود کلانی رسید؛ در این صورت براسـاس شـیوه محاسبه رایج، او ملزم به پرداخت خمس از آن مال نخواهـد بـود. ولـی اگـر یـک روز قبـل آن را بـه دسـت می‌آورد، باید یک پنجم آن را می‌پرداخت. واین علاوه بر باز کردن یک راه حیله شرعی، باعث عـدم تفـاوت بین غنی و فقیر شده، که خلاف مقصود شارع است. زیرا مکلّفان می‌توانند با تبانی، دریافت سود خود را تـا شروع سال خمسی جدید به تأخیر اندازند.

---

۱ معنای لغوی مَوْناً وَ مَؤُونَةً [مون] هُ: مخارج او را تأمین نمود و روزی او را بر عهده گرفت (زبیدی، ۷۷۲).

لذا در این مقاله قصد داریم ضمن بررسی مبانی و نظرات فقهاء در زمینه مبنای محاسبه مبدأ سال خمسی، نقدهای مطرح بر شیوه مذکور را بررسی کنیم و پاسخی منطقی و علمی برای سؤالات ذیل به دست آوریم:

اولاً: بر فرض قبول استثنای مئونه کسب و عیال از این قِسم، بازه زمانی استثنای مئونه، کدام است؟ روز یا ماه یا سال؟ **و ثانیاً:** مبدأ سال خمسی از چه زمانی خواهد بود؟ زمان تکسب یا زمان ظهور یا حصول ربح؟ **ثالثاً:** زیادی ربح ـ چه برمبنای زمان تکسب و چه زمان ظهور و حصول ربح ـ بعد از محاسبه مئونه در مورد افراد چند شغله و افرادی که دارای درآمد تدریجی هستند، چگونه محاسبه می‌شود؟

بازه زمانی محاسبه مئونه

محاسبه مئونه امری ساری است که تدریجاً اتفاق می‌افتد و در ظرف زمان امکان‌پذیر است. لذا ضروری است به این سؤال پاسخ داد که بازه زمانی محاسبه مئونه چه‌قدر است؟

پاسخ به این سؤال، با این مشکل مواجه است که در روایات اسمی از زمان محاسبه مئونه نیامده و مشهور بین علماء (مکارم، انوار الهدایه، ۳۷۳) این است که گذر یک سال در هیچ یک از انواع خمس شرط نیست، اما در خصوص سود کسب، تسالم فقهاء دلالت دارد بر این که مکلّف اجازه دارد در یک دوره زمانی یک ساله، مئونه را محاسبه نموده[۱] و هر آنچه اضافه آید، خمس آن را بپردازد.[۲]

و دلائل مطرح از جانب برخی از علماء[۳] بر اثبات آن عبارت است از:

۱. **اجماع:** ابن ادریس حلی (۱/ ۴۸۹) و علامه حلی (تذکره، ۱/ ۲۵۳) از فقهایی هستند که در این مسئله تصریح به اجماع کرده‌اند، اما مخالف این دیدگاه، «ابن برّاج» است که در کتاب المهذّب خود می‌گوید: «زمان وجوب اخراج خمس، وقت حصول مال است؛ بدون در نظر گرفتن گذشت سال یا چیز دیگری». (ابن براج، ۱/ ۱۷۹).

اما اثبات تحقّق اجماع در این مسئله، مشکل است. چراکه برخی از علماء، اصل وجوب خمس ارباح مکاسب را ذکر نکرده‌اند (طباطبائی حائری، ۱/ ۲۹۶؛ صیمری، ۱/ ۲۹۸)، چه برسد به تعیین سال خمسی. و فارغ از آن، با توجه به استدلال علماء به روایت علی بن مهزیار، اجماع مذکور مدرکی بوده و عدم حجیّت

---

۱ مشهور علماء معتقدند، وجوب پرداخت خمس با ظهور ربح یا شروع به تکسب است و تأخیر آن تا یک سال از باب احتیاط است. (فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ۱/ ۲۲۷؛ امام خمینی، تحریر، ۱/ ۳۶۱). اما ابن ادریس حلّی، پرداخت خمس را تنها پس از گذشت یک سال واجب می‌دانند (۱/ ٤۸۹).

۲ ر.ک: علامه حلّی، ارشاد، ۱/ ۲۹۲، محقق حلّی، ۱/ ٦۳؛ شهید اول،۱/ ۲۵۸؛ و شیخ طوسی، الخلاف، ۲/ ۱۱۸ و...

۳ از جمله: صاحب مدارک، ۵/ ۳۸۵ و صاحب جواهر ۱٦/ ۷۹ و محقق اردبیلی، ٤/ ۳۱۷.

آن واضح است (شوشتری، ۱/ ۴۴). خصوصاً که روایت مذکور که در ذیـل بررسـی شـده، از نظـر مـدلول مطرود است.

۲. روایات: در مورد روایات به دو صورت استدلال شده است. اول: آقـای بروجـردی یـک اسـتدلال کلی در مورد روایات باب خمس دارند، به ایـن صـورت کـه: «عمـده ای از روایـات در بـاب محصـولات کشاورزی است که محصول آن‌ها به صورت سالیانه حاصل می‌شود و مئونه نیز به همان نسبت یکساله کسر می‌شود و از طرفی با توجه به یکسان بودن حکـم وجـوب خمـس در محصـولات کشـاورزی بـا صـنایع و تجارت، مشخص می‌شود که این موارد نیز باید سال به سال لحاظ شود.» (بروجردی، زبدة المقال، ۹۱).

دوم: استدلال به تنها روایتی که در آن اشاره به «زمان» شده - البتـه بـرای پرداخـت خمـس، نـه کسـر مئونه- روایتی طولانی از علی بن مهزیـار اسـت (حرعـاملی، ۹/ ۵۰۱) و برخـی از فقهـاء (مکـارم، انـوار الهدایه، ۳۳۳؛ بروجردی، زبدة المقال، ۹۲) به چهار جمله از آن استناد کرده‌اند: جمله اول: «وَ لَمْ أُوجِبْ ذَلِک عَلَیهِمْ فِی کلِّ عَامٍ» جمله دوم: «إِنَّمَا أَوْجَبْتُ عَلَیهِمُ الْخُمُسَ فِی سَنَتِی هَذِهِ فِی الذَّهَبِ وَ الْفِضَّـةِ الَّتِـی قَدْ حَالَ عَلَیهِمَا الْحَوْلُ» جمله سوم: «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ فَهِی وَاجِبَةٌ عَلَیهِمْ فِی کلِّ عَـامٍ» جملـه چهـارم: «فَأَمَّا الَّذِی أُوجِبُ مِنَ الضِّیاعِ وَ الْغَلَّاتِ فِی کلِّ عَامٍ» و استدلال شده است که با توجه بـه اسـتعمال کلمـه سال در این عبارات، خصوصاً عبارت «فأما الغنائم و الفوائد...» کسر مئونه و پرداخت خمس باید سـال بـه سال صورت گیرد، چراکه امام با درنظرگرفتن پیش فرض ذهنـی مـردم در مـورد سـال خمسـی ایـن بیـان را فرمودند (بروجردی، زبدة المقال، ۹۲ - ۹۳).

تحلیل و نقد ادلّه:

اول: در پاسخ به دیدگاه بروجردی باید گفت اولاً: اگرچه تمام مکاسب از جهت عنوان، تحت موضـوع حکم وجوب خمس قرار می‌گیرند، و از جهت قید کسر مئونه نیز یکسان هستند، اما عقلاً و عرفاً کسر مئونه زمانی ممکن است که ربح حاصل شده باشد، پس بین کسر مئونه و زمان حصول ربح تـلازم اسـت و ایـن تنها معیاری است که از اطلاق روایات [1] استدراک می‌شـود و پـس در تمـام مکاسـب - فـارغ از تـدریجی الحصول بودن یا دفعی بودن- معیار حصول ربح است، نه گذر سال.

دوم در مورد روایت علی ابن مهزیار ازجهت سند این روایت صحیح السند است و تمـام روّات آن ثقـه هستند (ر.ک: مکارم، انوار الهدایه، ۳۰۴). پس از جهت سند نمی‌توان به آن خدشـه‌ای وارد نمـود. امـا از

۱ ر .ک: روایت امام رضا (ع): «.... أن الخمس بعد المئونه» (حر عاملی، ۹/ ۵۰۸) و روایت از امام صادق (ع): «...حَتَّی الْخَیاطُ- یخِیطُ قَمِیصـاً بِخَمْسَةِ دَوَانِیقَ- فَلَنَا مِنْهُ دَانِقٌ- إِلَّا..» (همو، ۹/ ۵۰۳)

نظر دلالت و ظواهر بر آن اشکالاتی وارد شده و تعدادی از علماء، ظاهر آن را مطـرود دانسـته‌اند (عـاملی، ۳۷/۵). و برخی از علماء نیز در صدد پاسخ برآمده‌اند (سبحانی، ۲۸۰) که تفصیل آن چنین است:

نقد استناد برعبارت اول: کلمه «عام» در عبارت «فی کلّ عام...»، اشاره بـه تشـریع سـال خمسـی و کاشف از رخصت امام به مکلّفان، جهت کسر مئونه نیست. بلکه عبارت مذکور بـه دایـره زمـانی حجیّـت خود حکم اشاره دارد. دلیل این معنا این است که:

اولاً: امام (ع) پیش از بیان عبارت مذکور، در ابتدا بـه عنـوان مقدمـه نکـاتی را می‌فرماینـد، از جملـه: «همانا آن‌چه واجب اعلام می‌کنم تنها در سال جاریست.... و کراهت دارم از بیان برخی مطالب به جهـت خوف از انتشار آن»[1] و «قصد دارم شیعیان را در سال جاری در امر خمس پـاک کـنم»[2]. کلمـه «سـال» در تمام این عبارات به عنوان قیدی برای حکم است، تا مردم بدانند حکم امام مخصوص همان سـال اسـت. و سپس امام با بیان عبارت «وَ لَمْ أُوجِبْ ذَلِک عَلَیهِمْ فِی کلِّ عَامٍ» به صراحت فهماندند که حکـم امسـال بـا سال‌های گذشته متفاوت است و برخلاف آن سال‌ها - که پرداخت خمس واجب نبود - امسال واجب است. پس اساساً ذکر «سال» در تحدید موضوع حکم و تعیین متعلّق خمـس و شـیوه پرداخـت آن نقشـی نـدارد.

ثانیاً: هدف امام از ذکر سال «۲۲۰ ق» اِخبار از حادثه مهمی است که در انتظار جامعه بود، و آن اتمام عمر شریف حضرت بود. لذا دریافت مفهوم سال خمسیِ مصطلح از این عبارات صحیح نیست؛ خصوصـاً کـه سال خمسی تمام مردم یکسان نیست و همچنین امام هم در مقام بیان تعیین سال خمسی نبودند.

نقد استناد به عبارت دوم: «إِنَّمَا أَوْجَبْتُ عَلَیهِمُ الْخُمُسَ....»

اولاً: اگر محل استشهاد، کلمه «فِی سَنَتِی هَذِهِ» باشد، علاوه بر موارد قبل، باید توجه شود «سنة» قیدی برای حکم است، نه قیدی برای تعیین دوره کسر مئونه و پرداخت خمس. خصوصاً که ادات حصر در ابتدای آن آمده و آن را محدود به همان سال کرده.

ثانیاً: اگر محل استشهاد عبارت: «قَدْ حَالَ عَلَیهِمَا الْحَوْلُ» باشد. و بخواهند بگوینـد امـام (ع) بـا ایـن عبارت فهماندند که برای تمام متعلّقات خمس یک‌سال مهلت وجود دارد. بایـد در پاسـخ گفـت اوّلاً: اگـر «گذشت یک سال» در تمام موارد ارباح مکاسب شرط بود، نباید امام این قید را فقط در مـورد طـلا و نقـره به‌کار می‌برد؛ بلکه برای موضوعات بعدی هم ذکر می‌نمودند. ثانیاً: عبارت قبل، یک قرینه است کـه حکـم مذکور برای اعم از مشافهین و حاضرین و غیر آن نیست. بلکه یک تخفیـف بـا توجـه بـه شـرایط آن زمـان است. ثانیاً: مهلت یکساله، تنها در ارباح مکاسب پذیرفته شده، نه در موارد دیگر خمس. ولی روایـت عـامّ

۱ «إِنَّ الَّذی أَوْجَبْتُ فی سَنَتی- هَذه وَ هَذه سَنَةُ عِشْرینَ وَ مِائَتَینِ فَقَطْ- لِمَعْنًی مِنَ الْمَعَانِی أَکرَهُ تَفْسِیرَ الْمَعْنَی کلَّهُ- خَوْفاً مِنَ الِانْتِشَارِ-»

۲ «وَ أُزَکیهُمْ بِمَا فَعَلْتُ مِنْ أَمْرِ الْخُمُسِ فِی عَامِی هَذَا-»

است و شامل موارد دیگر خمس نیز هست، پس مقیّد کردن آن به سال خمسی معنا ندارد (حکیم، ۱/ ۲۲۶).

نقد استناد به عبارت سوم: «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ فَهِی وَاجِبَةٌ عَلَیهِمْ فِی کلِّ عَامٍ» ظاهر روایت تا حدی دچار تناقض است و برداشت تعیین سال خمسی از ظاهر آن منتفی است و قطعاً مراد از آن سال خمسی نیست. جهت ادراک این موضوع باید به نکات ذیل توجه کرد.

اولاً: ظاهراً امام (ع) با آوردن «فاء»[1] و «أمّا»[2] در «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ» ضمن اشاره به تغییر موضوع سخن، بین موضوع جدید با موضوع قبل تفصیل می‌دهند. و تفصیل به این دلیل است که حکم موضوع جدید با موارد قبل متفاوت است. یعنی بر خلاف موارد قبل که خمس واجب نبود، در مورد «غنائم و فوائد» واجب است. و این تفصیل نیاز به قید زمان داشت، و امام (ع) برای تعیین آن از «کلّ عام» استفاده نمودند.

ثانیاً: با دقت در معنای «الْغَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ» تناقض ظاهری روایت مشخص می‌شود. امام (ع) با ذکر «فوائد» معنای کلمه غنائم را نیز توضیح دادند. و سپس فرمودند: «فَهِی الْغَنِیمَةُ یغْنَمُهَا الْمَرْءُ وَ الْفَائِدَةُ یفِیدُهَا» و به صورت مختصر پاسخی به شبهه «عدم تعلّق خمس به غیر از غنائم جنگی» را نیز دادند. معنای لغوی غنائم جمع الغَنِیمة از ریشه «غنم» و به معنای «فیء» یعنی آنچه بدون جنگ از کفار به دست آید و «غُنْماً» بالضم و «غُنْمه» را «زیادته و نَماؤه و فاضل قیمته» یعنی سود و فایده معنا کرده‌اند (ابن مکرم، ۱۲/ ۴۴۵). در کتاب شمس العلوم: «أصل الغُنْم: الربح و الزیادة.» آمده است. (حمیری، ۸/ ۵۱۹) اما معنای فائدة از ریشه فود، در «تاج العروس» به معنای: به دست آوردن یا از دست دادن مال یا ...است (زبیدی، ۵/ ۱۷۱). در روایتی از اصول کافی از معصوم (ع) سؤال شد منظور از فائده چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: «... و فایده آنچیزی است که به تو برسد از سود تجارت‌ها، یا محصول کشاورزی که به ثمر رسیده، یا جایزه...» (عاملی، ۱/ ۵۴۵) درنتیجه معنای «غنیمت» اعم از غنائم جنگی است و شامل کلیه اموال و منافع مکتسَب انسان می‌شود.

اما تناقض مورد بحث در روایت، با توجه به معنایی که برای «غنائم و فوائد» ذکر شد، ظاهر می‌شود. زیرا قبل از اینکه امام (ع) حکم وجوب پرداخت خمس «غنائم و فوائد» را ذکر کنند، بسیاری از مصادیق این دو از «سود تجارت‌ها و خدم و حشم و ظروف و ...» را استثناء نمودند و پرداخت خمسشان را در آن سال، واجب ندانستند. بنابراین در «فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ فَهِی وَاجِبَةٌ عَلَیهِمْ فِی کلِّ عَامٍ» عبارت «فهی واجبةٌ علیهم» ظاهراً با عبارت «وَ لَمْ أُوجِبْ ذَلِک عَلَیهِمْ...» در تناقض است. چراکه در حکم اخیر مصادیقی را

۱ فاء عطف، به سه معنا به کار می‌رود: «۱. ترتیب ۲. تعقیب ۳. سببیت.» (ابن هشام،١٦١) که در اینجا ترتیب را می‌رساند.

۲ برای «امّا»، سه معنا ذکر شده: «۱. شرط ۲. تفصیل ۳. تأکید» که در اینجا به معنی تفصیل است. همانند آیه ۱۷۵ سوره نساء «فَأَمَّا الَّذِینَ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُواْ بِهِ فَسَیدْخِلُهُمْ فی رَحْمَةٍ مِّنْه...» (ابن هشام،٦١)

واجب می‌دانند که قبلاً فرمودند واجب نیست.

اما راه رفع این تناقض، توجه به قیدهای کلام است. یعنی قید «سِنَتی» برای «وَ لَمْ أُوجِبْ» و قید «فِی کلِّ عَامٍ» برای «فَهِیَ وَاجِبَةٌ». و برای جمع این دو حکم باید بگوییم: امام با صدور حکم اول، در صدد بیان یک حکمِ ثانوی برای تخفیف به مکلّفان بود و با حکم دوم در صدد بیان حکم اولیّه، برای پرداخت خمس در تمام دوران‌ها بوده‌اند. خصوصاً که امام با علم امامت، آگاه بودند که سال صدور این حکم («سِنَتی هذه» ۲۲۰ ق) آخرین سال عمر شریفشان بوده است. لذا با بیان حکم اولیه مردم را نسبت به وجوب خمس، آگاهی دادند تا پس از ایشان کار برای ائمه بعد دشوار نشود. در هرصورت عبارت «کلُّ عامٍ» در روایت، دلالتی بر شیوه و زمان پرداخت خمس ندارد. و ذکر «کلُّ» یک قرینه محسوب می‌شود تا بدانیم این یک قید برای أمد حجّیّت حکم است. همچنین قطعاً مراد از «کلّ عام» و «سِنَتی هذه» سال قمری بوده است، نه سال خمسیِ مدِّ نظر علماء. و گرنه ذکر «هذه» و ذکر سال «۲۲۰ ق» در متن روایت لغو بود.

وجود روایت ناقض:

اما در روایت حُکیم از امام صادق (ع) اینگونه آمده است:

حُکیم مُؤَذِّنِ بَنِی عَبْس می‌گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم: آیه «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ» (الانفال: ۱۱) [مقصودش چیست؟] امام صادق (ع) در پاسخ فرمودند: والله این آیه می‌رساند [وجوب] روز به روز را. اما پدرم شیعیان را در این مورد آزاد قرار داد تا پاک بمانند. [مرتکب اکل حرام نشوند]» (طوسی، تهذیب، ۴/ ۱۲۲) بر اساس این روایت، با استناد به آیه که قید (أنما غنمتم) را مطلق آورده و به سال مقیّدش نکرده، معلوم می‌شود، صرف کسب غنیمت و کسر مئونه برای وجوب پرداخت خمس کافی است، هرچند مجبور باشیم به صورت روزانه خمس را بپردازیم. پس تأخیر از پرداخت روزانه خمس، تنها به واسطه اجازه امام جایز است. و ما در زمان غیبت، چنین شرایطی برای کسب اجازه نداریم. مگر آنکه بگوییم مرجع تقلید به عنوان نائب عام امام، می‌تواند چنین اجازه‌ای صادر کند.

۳. عرف عقلاء: استدلال برخی از علماء (مکارم، انوار الهدایه، ۳۳۱) این است که: عقلاء وقتی بخواهند سود و مخارج را برای هر انسانی بسنجند، مجموع دارایی یکساله را محاسبه، و مخارج همان سال را از آن کسر می‌کنند؛ و زیاده را سود خالص می‌دانند. و در تجارت‌ها و صنایع و کشاورزی و حتی در دولت‌ها و حکومت‌ها هم سود و زیان را سالیانه محاسبه می‌کنند. و اطلاق قول معصوم علیه السلام («الخمس بعد المئونه») (حرعاملی، ۹/ ۵۰۰) منصرف بر همین نگاه متداول عرفی بین آن‌هاست.

اما این دلیل نیز مردود است به اینکه اولاً: در روایات آنچه ذکر شده، تنها کسر مئونه است[1]. و حقیقت

---

۱ ر .ک: روایت ابن ابی نصر از امام صادق (ع). (حرّعاملی، ۹/ ۵۰۸)

«مئونه» اگرچه مطلق است، اما نسبت به حوائج انسان از قبیل: خوراک مورد نیاز، پوشاک، مسکن، درمان و سفر و ...؟ متفاوت می‌شود. و تعیین زمان برای سنجش هر کدام فرق می‌کند. به عنوان مثال: اگر فردی غذای ذخیره برای روزهای آتی دارد، چه موقع می‌گوییم «بیشتر از نیازش» است؟! یا کسی که برای آینده لباس دوخته، چه موقع می‌گوییم این‌ها مازاد بر نیازاند؟! یقیناً عقلاء برای همه این‌ها معیار «سال» را قبول ندارند. نکته دیگر آن‌که: آیا نگاه عرف و دین در مورد پس‌انداز یکی است؟ مثلاً: نظر دین در مورد ذخیره غذا در جایی که احتمال قحطی یا عدم تکسب نمی‌رود چیست؟ آیا عقلاء در این موارد، عرف بخصوصی دارند؟ به فرض اثبات این عرف عقلائی، با اندکی بررسی متوجه می‌شویم بین این عرف و آنچه نظر مشهور در مورد خمس است، تفاوت جدی وجود دارد. به عنوان مثال: پس‌انداز غذا برای یک‌سال از نظر عقلاء غالباً بیش از نیاز است، ولی از نظر مشهور تا زمانی که سال خمسی نرسیده بیشتر از مئونه محسوب نمی‌شود. همچنین در ردّ این وحدت رویّه وقتی به کتب فقهی مراجعه می‌کنیم، یکی از مستحبات تجارت، ترک سود گرفتن از مؤمنین پس از کسب قوت روزانه ذکر شده است (شهیدثانی، الروضه، ۳/ ۲۹۲) همانگونه که در روایات نیز اشاره شده است (طوسی، تهذیب، ۷/ ۷) در حالی که عرف، خلاف آن عمل می‌کند. لذا بین عرف و دین لزوماً نمی‌توان وحدت رویه‌ای وجود داشته باشد.

۴. **سیره متشرعه:** تعدادی از علماء نیز استدلال کرده‌اند که: ما در بین متشرّعه در پرداخت خمس به صورت سالیانه و تعیین سال خمسی، یک سیره مستمرّه می‌بینیم. که به جهت ابتلای فراوان به این موضوع، نمی‌تواند اتفاقی باشد و قطعاً این کاشف از قول معصوم است.

در پاسخ باید گفت اوّلاً: دلیلی بر استمرار این سیره تا زمان معصومان وجود ندارد. ثانیاً: یکی از دلائل وجود سیره، فتاوای علماء است. و قبلاً ذکر شد که مخالفینی نیز داشته است و همچنین به جهت مدرکی بودن اجماع منقول، این فتاوا حجیت ندارند.

مبدأ سال خمسی

با توجه به دیدگاه مشهور مبنی بر رخصت مکلّف در تأخیر پرداخت خمس تا یک سال، و حتی بر مبنای معیار بودن «تحقق کسر مئونه»، باید مبدئی برای این بازه زمانی معیّن شود. لذا باید به این سؤال پاسخ داد که مبدأ دوره محاسبه خمس چیست؟ در پاسخ سؤال، اقوال علماء متفاوت است. سبحانی (سبحانی، 93/10/29 درس خارج) به ٤ قول اشاره دارند: ۱. ظهور ربح[1] ۲. شروع به تکسّب[2] ۳. تفصیل

---

۱ علمایی از جمله: آقا ضیاء (٤/ ۲۸۵) وحید خراسانی (مسئله ۱۷٦۹ و ۱۷۷۰) مکارم شیرازی (مسئله ۱٤۷۵) و سیستانی (مسأله ۲۲۹۸ و مسأله ۲۳۰۰).

۲ علمایی از جمله: شهید ثانی (روضه، ۲/ ۷۸؛ همو، مسالک، ۱/ ٤٦۷) و صاحب مدارک (۵/ ۳۹۱)

بین فواید اکتساب و فوائد اتفاقیه[1] ٤. تفصیل بین امثال صنعت و تجارت با امثال زراعت و کشاورزی.[2]

اما در این مسئله دو مبنای اصلی وجود دارد که یکی شروع به تکسب و دیگری ظهور یـا حصـول ربـح است. و دو مورد تفصیلی دیگر، هیچ دلیل فقهیی برای آن ذکر نشده و در هیچ‌جایی از روایات بـه آن اشـاره نشده است، و علاوه بر این در حقیقت بازگشت آن‌ها نیز به دو مورد قبل است. یعنـی ابتـدا بایـد مشـخص شود معیار، ظهور ربح است یا شروع به تکسّب.؟ لذا ضروری است که ضمن بررسی ادلّه هر کدام، مبنای صحیح تبیین شود.

۱. ادلّه قائلان به «شروع کسب»: ۱. اگر مبنای ظهور ربح یا شروع به کار را به صورت مجـزّا در هـر شغل معیار قرار دهیم، این مستلزم به هم ریختگی و هرج و مرج در محاسبات مردم می‌شود؛ چرا کـه بایـد برای هر منفعت جدیدی مبدأ سال خمسی مجزّا در نظر گرفت و مئونه را به صورت مشخص از یکی یا چند تا از آن‌ها کسر کرد و زیاده را برای هرکدام جداگانه سنجید. و این واقعاً مشـکل اسـت. و ایـن امـر موجـب تکلیف بما لا یُطاق و موجب عسر و حرج خواهد شد (مکارم، انوار الهدایه، ۳۳۳)۲. متعـارف بـین مـردم متشرّع در گذشته و حال، محاسبه به همین صورت بوده است. و با توجه بـه نبـود حکـم تعبّـدی از جانـب شارع، مرجع تشخیص، عرف خواهد بود. و حتی اگر ما مبنا را ظهور ربح نیز بگیریم با توجـه بـه تـدریجی بودن حصول ربح در غالب مکاسب، عرفاً ملازم خواهد بود با شروع به کسب (سبزواری، ۱۱/ ۴۴۳).

اما در پاسخ به دلیل اول می‌توان گفت: اولاً: بر اساس این مبنا که معیار وجوب خمس، «مازاد بودن بر نیاز است» (نه گذر سال)، باید دقت کرد که بر اساس عرف رایج بین عقلاء، به طـور کلـی تـأمین نیازهـای اساسی انسان، به دو شیوه اتفاق می‌افتد: برخی نیاز به پس‌انداز دارند و برخی خیر. پس تمام پس‌اندازهایی که برای رفع نیاز اساسی بشر است، بر مبنای استثنای مئونه، متعلَّق خمس نیستند. و بقیه امـوالی کـه مـورد نیاز نیستند محاسبه آن‌ها بسیار آسان است. ثانیاً: اگر معیار وجوب خمس را «اتمام مهلت یکساله از زمـان ظهور ربح» نیز فرض کنیم، باید توجه داشت که در زندگی عموم مردم، کمتر دارایی به چشم می‌خـورد کـه تا یک سال بدون استفاده و مازاد بر نیاز باشد و اگر هم هست به راحتی قابـل تشـخیص و محاسـبه اسـت، موارد استثناء نیز عموم البلوی نیستند تا هرج و مرج عمومی ایجاد کنند. ثالثاً: بی‌شک شارع مقدس در مقام تکلیف، عسر و حرج را بر مکلفان نپسندیده است. پس محاسـبه تقریبـی کـه رافـع تکلیـف باشـد کفایـت می‌کند. رابعاً: محاسبه اموال و اعمال انسان از موارد مورد توصیه شارع اسـت، اگرچـه سـختی‌هایی دارد. و

---

۱ علمایی از جمله: شهید اول (۱/ ۲۵۹) و علامه حلی (۱/ ۱۸٤) و صاحب حدائق (۱۲/ ۳٥٤) و صاحب عروه (٤/ ۲۸٥) و بروجردی (توضیح المسائل، مسئله ۱۷٦۱ و ۱۷٦۲ و ۱۷٦۳) و مرعشی‌نجفی (۱/ ۲۸۸) و سبزواری (۱۱/ ٤٤۳) و کاشف الغطاء (سفینه النجاۀ، ۲/ ۱۱۹)

۲ علمایی از جمله: سید ابو الحسن اصفهانی (٤/ ۲۸٥) و گلپایگانی (٤/ ۲۸٥) و امام خمینی (۱/ ۳٥۷، مسئله ۱۰). فاضل لنکرانـی (تعلیقـات عروه، ۲/ ۱۹۳).

توجه معصومان (ع) به محاسبه نفس (مجلسی، ۶۷/ ۷۳) و دقت در کسب مال (مجلسی، ۱۰۳/ ۱۰)، در روایات به وفور ملاحظه می‌شود. خامساً: یک جواب نقضی وجود دارد. و آن وجود همین مشکل مذکور حتی در شیوه رایج است. چراکه: ۱. حتی بر مبنای شروع به کسب نیز با توجه به تعدد کسب‌ها این مشکل وجود دارد، مگر آن‌که بگوییم مطلق کسب، معیار است که دلیل روایی ندارد. ۲. به اجماع علماء، مالی که خمسش پرداخت شده دیگر خمس ندارد؛ با این فرض آیا جدا کردن اموالی که در طی سالیان گذشته خمسش را داده‌اند از بقیه اموال، ایجاد هرج و مرج نمی‌کند؟

در پاسخ به دلیل دوم نیز بایدگفت: اولاً: نظر به تفاوت فتاوا، وجود سیره واحد منتفی است. ثانیاً: استمرار این سیره تا زمان معصومین اثبات نشده است.

۲. ادله قائلان به «ظهور ربح»: اوّلاً: در آیه «وَ اعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شیءٍ فللّه خمسه و ...»(انفال: ۴۱) وجوب پرداخت خمس بر زمان کسب غنیمت موکول شده، نه بر زمان شروع به کسب یا جمع آوری غنائم. ثانیاً: نقش «أنما» در جمله در کنار «غنمتم» به این معنا که «هر وقت سودی به دست آوردید» نه وقتی که شروع به جنگ یا شروع به کسب کردید. این به صراحت معیار «ظهور ربح» را تأیید می‌کند. ثانیاً: روایات با عبارات مختلف ظهور دارند در مبنا بودن «ظهور ربح». ازجمله: در روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) که ایشان فرمودند: «حَتَّى الْخَيَاطُ- يخِيطُ قَمِيصاً بِخَمْسَةِ دَوَانِيقَ -فَلَنَا مِنْهُ دَانِقٌ» (حرعاملی، ۹/ ۵۰۱؛ آقا ضیاء، عروه محشی، ۴/ ۲۸۵) در این روایت تعلّق خمس به پس از کسب سود معلّق شده است. و خیاطی که ۵ درهم سود به دست آورد به عنوان مثال ذکر شد، و خمس آن را امام بیان فرمودند. همچنین در روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) در مورد کسی که باغستانی دارد و از میوه‌های آن می‌خورد و مقداری را می‌فروشد، امام (ع) فرمودند: «أَمَّا مَا أُكِلَ فَلَا- وَ أَمَّا الْبَيْعُ فَنَعَمْ هُوَ كَسَائِرِ الضِّيَاعِ.» (حرعاملی، ۹/ ۵۰۳) اگر ملاک «شروع به کسب» بود امام به او می‌فرمود: از زمان شروع باغداری یک سال فرصت داری! درحالی‌که کلام برخلاف این ظهور دارد. همچنین از مجموعه روایاتی که متعلَّق خمس را فوائد و یا ربح می‌دانند مانند روایت سماعة که می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الْخُمُسِ- فَقَالَ فِي كُلِّ مَا أَفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ.» (حرعاملی، ۹/ ۵۰۳) استدراک می‌شود که وجوب خمس پس از صدق فایده یا ربح است. و این قطعاً پس از ظهور ربح است. و ثالثاً: حکم عقل این است که: تعلّق حکم وجوب خمس به چیزی که وجود خارجی ندارد ممکن نیست. و کسر مئونه که متقدم بر کسر خمس از مال است، تنها پس از ظهور ربح، امکان‌پذیر است.

نتیجه بررسی ادلّه:

بدین ترتیب بنابر عبارات فوق، خمس هر فایده ای به مجرد ظهور، باید پرداخت شود، جز این که ادلّه

دلالت بر جواز تأخیر تا برداشت هزینه‌های معمول و روزمره زنـدگی دارد. ولـی پـس از کسـر مئونـه، بایـد خمس باقیمانده پرداخت شود. و الّا دلیلی بر تأمّل یکساله نداریم. دلیل دیگری هم وجود ندارد که حکم به جمع و محاسبه مجموع فواید یکساله و کسـر موونـه‌های یکسـاله داشـته باشـد و خمـس را بعـد از چنـین محاسبه‌ای لازم بداند. لذاست که مئونه را باید با زمان ظهور ربح و فایده سنجید تا بتوان هـر مئونـه‌ای را از فوائد موجوده کسر کرد.

شیوه محاسبه زیادی ربح در افراد چند شغله

اگر کسی رشته‌های کاری متنوعی داشته باشد، که از هریک درآمدی کسب کرده و سودی می‌برد؛ و مـا قائل به تعیین سال خمسی به صورت رایج نباشیم و معیار را صِرفاً مازاد بودن ربح حاصل شده بدانیم، دیگر فرقی بین مشاغل مختلف نخواهد بود. اما برفرض پذیرش مبنای مشهور در تعیین سـال خمسـی، در مـورد اینکه آیا باید برای هریک از رشته‌های کاری و درآمد آن، سال جداگانه‌ای در نظـر گرفتـه و سـود و مئونـه را نسبت به همان محاسبه کند؟ یا یک سال از اولین روز تکسب یا ظهور ربح را به عنوان سـال خمسـی خـود تعیین کرده و در این دوره هرآنچه از سود بدست می‌آورد و هزینه‌های روزمره زندگی را با هم کسر و انکسار کرده و از باقیمانده، خمس را خارج کند؟ سه دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول: جمع تمام درآمدها و کسر مئونه از آن است. قول مشهور[1] برآنست که مجموع فوائدی که در طول سال بدست مکلف می‌رسد موضوع واحدی برای خمس بوده و بعد از استثنای هزینه‌های یکسـاله از سود یکساله انواع رشته‌های کاری، خمس باقیمانده را باید محاسبه و اخراج نماید.

دیدگاه دوم: برای هر رشته کاری سال جداگانه باید در نظر گرفت. این قول منتسب به مرحـوم کاشـف الغطاء و ابن برّاج (۱/ ۱۷۹) و قول شهید در مسالک (۲/ ۷۸) و مرحوم آیة الله خوئی (منهاج الصالحین،۱/ ۳۳۵) است. آن‌ها معتقدند که برای هر رشته کاری و سودی که از آن بدسـت می‌آیـد از زمـان سـود آوری، یک سال خمسی مستقل تعیین کرده و می‌توان هزینه‌های هر سال خمسی از سود همان دوره کسر کرد و در باقیمانده اموال هریک از آن مشاغل در سر سال خمسی خود، باید خمس را خارج کرد.

دیدگاه سوم: تعدادی از علماء نیز قائل به تفصیل بین درآمدها هستند. شهید اول در دروس (۱/ ۲۵۹) و صاحب معالم (۱/ ۱۸۴) و صاحب حدائق (۱۲/ ۳۵۴) و امـام خمینـی (۲/ ۹۱) سـبحانی (۳۳۰؛ همـو درس خارج ۲۹/۱۰/۹۳) و سیستانی (مسأله ۲۲۹۸ و مسأله ۲۳۰۰.) اصفهانی (عروه محشّـی، ٤/ ۲۸۵)

---

۱ از جمله: شهید اول (۱/ ۲۵۹) و صاحب جواهر (۱٦/ ۵۲) و شیخ طوسی (۲/ ۱۱۸) و ابن ادریس حلی (۱/ ٤۸۵) و محقق حلی (۱/ ٦۳) و علامه حلی (۱/ ۲۹۲) و سید ابوالحسن اصفهانی (۳۰۷) اراکی (۲۸٦) مرعشی نجفی (۱/ ۲۸۸) و مکارم (مسئله ۱٤۷۵)

قائل به تفصیل بین درآمد کسب و درآمدهای اتفاقی هستند. و تأخیر در پرداخت خمس درآمدهای اتفـاقی و تعیین سال خمسی مجزّا را جایز می‌دانند.

مستندات دیدگاه اول: اول اطلاق قول معصوم (ع) در روایت علی بن مهزیار است. همانگونه که ذکر شد در صحیحة علی بن مهزیار آمده است: «فاما الغنائم و الفوائد فهی واجبة علیهم فی کل عـام» و ظـاهر این عبارت به ما می‌فهماند که باید مجموع درآمد را درنظر گرفت، نه این‌که برای هر درآمدی سال مسـتقلی را قرار دهیم. واین‌که گفته شود: شارع در مقام بیان تعیین مبدأ سال خمسی نبوده؛ با توجه به ظـاهر عبـارت «فی کلّ عام» مردود است.

در رد این دیدگاه می‌توان گفت: اگر اطلاق را قبول کنید باید برای کل مردم یـک روز مشـخص را بـرای دریافت خمسشان قرار دهید، چراکه «فی کـل عـام» ظهـور دارد درهمـین سـالهای قمـری، همانگونـه کـه سلاطین برای اخذ مالیات انجام می‌دهند. در حالی که هیچ کس این را قبول ندارد. همچنین پاسخ‌هایی که قبلاً به این حدیث داده شد، اینجا هم صدق می‌کنند.

اما دلیل دوم: سیره متشرعه است. همدانی (۱۴/ ۱۸۷) وآیت الله مکارم (انوار الهدایة، ۳۳۳) و محقـق داماد (۳۲۵) به این استدلال کرده‌اند که عموم افراد متشرّع، سود یک سـال خـود را جمعـاً و بـدون درنظـر گرفتن مشاغل مختلف، محاسبه می‌کنند. و در پایان سال با کسر هزینه‌های یک‌ساله از سـود همـان سـال، خمس باقیمانده را می‌پردازند. این در حالی است که بیشتر مردم دارای مشاغل متعددی هستند، از زراعـت و تجارت و..... و اگر برای هرکدام از آن‌ها وجود یک سال خمسی مشروع بود، باید از گذشته تـا بـه حـال، این موضوع رایج می‌بود. در حالی‌که خلاف آن رایج است.

اشکال به این دلیل: اوّلاً: وجود این سیره جز در بین مردم معاصر اثبات شده نیسـت. و مـا نیـز هـیچ دلیلی بر اتصال این سیره به زمان معصومان نداریم. و همان‌طورکـه از روایـت علـی بـن مهزیـار اسـتظهار می‌شود، در بسیاری از دوران‌ها خمس به واسطه ارفاق معصومان یا نبود شرایط، پرداخت نمی‌شـده اسـت. لذا نمی‌توان سیره واحدی را که کاشف از نظر معصوم (ع) باشد اثبات نمود. ثانیاً: متشـرعین حقیقـی تـابع فتاوای علماء خود هستند، لذا با توجه به عدم اجماع و نظرات مختلف علماء، بـی شـک سـیره واحـدی از مکلّفان نباید انتظار داشت. پس وجود این سیره منتفی است.

مستندات دیدگاه دوم:

اطلاق آیه خمس و روایات و دلیل عقل. در آیه «فإذا غنمتم...» (الأنفال: ۴۱) وجوب پرداخت خمس منوط به کسب غنیمت شده، بدون اینکه جنگ‌ها و یا مشاغل مختلف را جمع کند و بدون اینکه بـین آن‌هـا تفصیل قائل شود. پس با کسب هرگونه غنیمت و فایده‌ای، چنانچه بی جهت خمس آن را تأخیر بیانـدازیم،

در نزد شارع معذور نخواهیم بود. و اگر دلیلی بر اجازه شارع بر تأخیر داریم، این اجازه کلّی است و خطاب شامل هر ربحی منفرداً و مستقلاً خواهد شد، ومعیار آن کسر مئونه است. و ما دلیلی بـر تجمیـع و کسـر از این مهلت شرعی در برخی از منافع را نداریم. پس زمان شروع این مهلت برای هر ربحی، زمـان ظهـور آن خواهد بود.

همچنین در روایاتی مثل «حَتَّى الْخَيَاطُ- يخِيطُ قَمِيصاً بِخَمْسَةِ دَوَانِيقَ -فَلَنَا مِنْهُ دَانِقٌ»(حرعـاملی، ۹/ ۵۰۳) و روایت: ابی بصیر از امام صادق (ع) در مورد کسی که باغستانی دارد و از میوه‌های آن می‌خـورد و مقداری را می‌فروشد، که امام فرمودند: «آنچه خورده خمس ندارد و اما آنچه فروخته مانند دیگـر درآمـدها است.» (حرعاملی، ۹/ ۵۰۳) واطلاق قول معصوم (ع): «أَنَّ الْخُمُسَ بَعْدَ الْمَئُونَةِ.» (حرعاملی، ۹/ ۵۰۸) و از همه این روایات بر می‌آید که به محض کسب فائده و سود، و محاسبه مئونه، پرداخت آن واجب است، اگرچه وجوب آن را موسّع بدانیم. در هر صورت در روایات چیزی که دلالت بر جمع بین فوائد کند و پـس از آن بخواهد یک سال کلّی تعیین کند نداریم. پس با کسب غنیمت و سود، حکم وجـوب خمـس فعلیّـت پیدا می‌کند. و به حکم و دلیل عقلی نیز، کسر مئونه در برخی نیازها (از قبیل مسکن و مَرکب و..) بسـته بـه شرایط افراد متفاوت است. و ممکن است رفع این نیاز هزینه‌های زیادی را متحمّل شود، و به همین جهـت مکلّف نیازمند به جمع فوائد خود در مدتی بیش از یک سال باشد. و مـا نمی‌تـوانیم او را بـدون دلیـل وادار کنیم از درآمدهای اخیر خود خمس را کسر کند، درحالی که نتوانسته نیاز حقیقی خود را برطـرف سـازد. و این عمل برخلاف روایات است که مهلت کسر مئونه از ربح را کلّی و بـدون محـدودیت گذاشـته اسـت. و فرموده: «الخمس بعد المئونه».

مستندات دیدگاه سوم: اما برای قول سوم دلائل مستقلّی نیافتیم. تنهـا سـبحانی در درس خـارج فقـه خود، پس از ذکر نظریه خود مبنی بر تفصیل بین شغل‌های با درآمد تدریجی و درآمد دفعـی، می‌فرماینـد: «و ما ذكرناه من التفصيل هو الأحوط و إلا فالأقوى ما عليه صاحب الجواهر من أنّ المنساق من النصوص و الفتاوى احتساب مؤونة السنة من أول حصول الربح، إذ ذلک وقت الخطـاب بـالخمس» (سـبحانی، درس خارج ۲۹/۱۰/۹۳) پس ایشان قول صاحب جواهر را که قائل است به مبدأیت ظهور ربح برای سال خمسی در تمام انواع مکاسب را أقوی می‌دانند و آن را با سیاق روایات هم‌سوتر دانسـته‌اند. امـا نظـر خودشـان را از جنبه رعایت احتیاط، صحیح‌تر می‌دانند. و دلیل دیگری برای آن ذکر ننموده‌اند.

نتیجه‌گیری

اولاً: همانطور که ذکر شد، در هیچ جایی از روایات تصریح به تعیین سال خمسی نشده اسـت. و تنهـا

روایتی که در این خصوص بدان استناد شده، روایت علی بن مهزیار است. اما ظاهر این روایت نیز براساس شرایط استثنایی آن دوره، غیر قابل استدراک است. خصوصاً اینکه ظاهر عبارات مورد استناد در این روایت، نیز با موضوع دعوا بکلی تفاوت دارند و کاملاً در اثبات مدَّعَی ناتوان است. و از مجموع دلائل مطرح شـده در این باب، تنها اجماع علماء، که به صورت منقول از محقق اردبیلی و صاحب مدارک و صاحب جـواهر، مطرح شده قابل تأمّل است. البته با وجود مخالفت «ابن برّاج» اجماع به معنای حقیقی کلمـه نیسـت. امـا مدرکی بودن اجماع مذکور و همچنین وجود روایت معارض با این اجماع از امام صادق (ع) که فرمودنـد: «هی والله افادة یوم بیوم» کار را برای حجّیت این اجماع سخت کرده است. مضافاً برآن اطلاق روایات تنها عامل تأخیر در پرداخت خمس را «کسر مئونه» ذکر کرده‌اند. به گونه‌ای که می‌توان گفت: ایـن تـرخیص در پرداخت خمس تنها به خاطر اختیارات مراجع، حجیت شرعی دارد. وگرنه از روایات نمی‌توان چنین چیزی را استدراک کرد.

ثانیاً: با توجه به اینکه حکم وجوب خمس، نیاز به متعلَّق دارد. مبدأ این واجب موسّع نمی‌تواند «شروع به کسب باشد». چراکه قبل از ظهور ربح، نمی‌توان متعلّقی برای این وجوب در نظر گرفت. و اصلاً وجوب خمس قبل از ظهور ربح معقول نیست و ظاهر آیه «أنما غنمتم...» و روایات «کل فائـده یفیـدها.....» نیـز دلالت بر ظهور ربح دارند. پس تنها معیار وجوب خمس، «ظهور ربح و اضافه بودن از مئونه» است.

ثالثاً: با توجه به اینکه «ظهور ربح» معیار شروع واجب موسّع است. تفاوت راه کسب این ربـح، هـیچ نقشی در زمان کسر مئونه نخواهد داشت. و تفصیل بین مشاغل با درآمدهای تـدریجی و دفعـی، بـی معنـا خواهد بود. خصوصاً این که برای این تفصیل در روایات، هیچ مؤیّدی وجود ندارد. همچنـین بـرای جمـع سود مکاسب مختلف (برای افراد چند شغله) و کسر مئونه یک ساله پس از شروع به کسب نیز هیچ مؤیّدی وجود ندارد و اطلاق روایات مخالف با آن است. و چون از درآمد پایانی سال، «کسـر مئونـه» بـه صـورت حقیقی اتفاق نمی‌افتد، مخالف با روایات نیز هست.

پس به طور کلّی معیار برای پرداخت خمس، «وجود و ظهور ربح» در ملکیّت و ید مکلّف است که آن را از راه کسب مشروعی به دست آورده و مازاد بر مئونه عرفی خود و عیال واجب النفقه‌اش است. و گذشت سال از شروع به کسب یا ظهور اولین ربح، معیار نیست.

منابع

ابن ادریس، محمد بن احمد، ***السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

ابن براج، عبد العزیز بن نحریر، ***المهذب* (لابن البراج)**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

اراکی، محمد علی، ***رسالة فی الخمس***، در یک جلد، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

اردبیلی، احمد بن محمد، ***مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

اصفهانی، ابو الحسن، ***وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخمینی)***، در یک جلد، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۲ ق.

انصاری، ابن هشام، ***المغنی اللبیب***، بیروت، دارالفکر للطباعه، ۲۰۰۷ م.

انصاری، مرتضی بن محمد امین، ***کتاب الخمس***، در یک جلد، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.

بحرانی، یوسف بن احمد، ***الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.

بروجردی، آقا حسین، ***توضیح المسائل***، شماره دیجیتالی: ٤٦٤٠، شماره کتابشناسی: ۱/۱۰٤۱۵.

ــــــــــــــــ، ***زبدة المقال فی خمس الرسول و الآل***، در یک جلد، قم، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق

حرّ عاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعة***، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

حکیم، محمد سعید، ***مصباح المنهاج***، الناشر: مؤسسة الحکمة للثقافیة الإسلامیة، الطبعة الثانیة، ١٤٢٨ ق.

حمیری، نشوان بن سعید، ***شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم***، ۱۲ جلد، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۰ ق.

خراسانی، وحید، ***رساله توضیح المسائل***، بی‌تا، بی‌جا.

خمینی، روح الله، ***تحریر الوسیله***، مترجم: علی اسلامی، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۵ ق.

خوئی، ابو القاسم، ***منهاج الصالحین***، نشر مدینة العلم، قم، ۱۴۱۰ ق.

سبحانی تبریزی، جعفر، ***الخمس فی الشریعة الإسلامیة الغراء***، در یک جلد، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق.

سبزواری، عبد الأعلی، ***مهذّب الأحکام***، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.

سیستانی، علی، ***توضیح المسائل***، بی‌جا، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۳.

شهید اول، محمد بن مکی، ***الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة***، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، ***الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة***، ۱۰ جلد، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.

ــــــــــــــــ، ***مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام***، ۱۵ جلد، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ ق.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، ***جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام***، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

صیمری، مفلح بن حسن، ***غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام***، بیروت، دار الهادی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.

طباطبایی حائری، علی بن محمد، ***ریاض المسائل* (ط - القدیمة)**، مؤسسه آل البیت علیهم، بی‌تا.
طباطبایی یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم، ***العروة الوثقی* (المحشّی)**، ۵ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
ــــــــــــــــ، ***العروة الوثقی***، ۲ جلد، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
ــــــــــــــــ، ***العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل***، ۲ جلد، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، بی‌تا.
طوسی، محمد بن حسن، ***الخلاف***، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
ــــــــــــــــ، ***تهذیب الأحکام***، تهران - ایران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
عاملی، محمد بن علی، ***مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام***، ۸ جلد، بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۱ ق.
علامه حلّی، حسن بن یوسف، ***إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان***، ۲ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
ــــــــــــــــ، ***تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة* (ط - الحدیثة)**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق.
ــــــــــــــــ، ***تذکرة الفقهاء* (ط- الحدیثة)**، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ***مفاتیح الشرائع***، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی (ره)، قم، چاپ اول، بی‌تا.
قطان حلی، محمد بن شجاع، ***معالم الدین فی فقه آل یاسین***، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ ق.
کاشف الغطاء، احمد بن علی، ***سفینة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات***، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، باب الفیء و الأنفال، تهران- ایران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
متقی هندی، علي بن حسام‌الدین، ***کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال***، مکتبة التراث الإسلامی، ۱۳۸۹ق.
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ***بحار الأنوار***، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
محقق حلّی، جعفر بن حسن، ***المختصر النافع فی فقه الإمامیة***، ۲ جلد، قم، مؤسسة المطبوعات الدینیة، ۱۴۱۸ ق.
محقق داماد، محمد، ***کتاب الخمس***، در یک جلد، قم، دار الإسراء للنشر، ۱۴۱۸ ق.
مرتضي زبيدي، محمد بن محمد، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
مرعشی شوشتری، محمد حسن، ***دیدگاه‌های نو در حقوق***، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.
مرعشی نجفی، شهاب الدین، ***منهاج المؤمنین***، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی - ره، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.

معلوف، لویس، ***المنجد، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی***، ترجمه احمـد سـیاح، تهـران، انتشـارات اسـلام، چـاپ ششم، ۱۳۸۵.

مکارم شیرازی، ناصر، ***أنوار الفقاهة - کتاب الخمس و الأنفال***، در یک جلد، قم، انتشارات مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۴۱۶ ق.

ــــــــــــــ، ***رساله توضیح المسائل***، ، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب، چاپ چهل و هفتم، ۱۳۹۱.

همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، ***مصباح الفقیه***، قم، مؤسسة الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسة النشر الإسـلامی، ۱۴۱۶ ق.

وبگاه اینترنتی

سـایت مدرسـه فقاهـت، **درس خـارج فقـه آیـت اللـه سـبحانی**، ۹۳/۱۰/۲۹.
http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/93/931029